

بررسی جغرافیای اجتماعی زنان در سروده‌های پروین اعتصامی و دکترین جبران مضاعف

آلفرد آدلر

فریبا صادقی پنهان محله

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی گرایش محض، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

ناهید اکبری^۱

عضو هیئت علمی گرایش ادبیات و زبان فارسی محض، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

سوزان جهانیان

عضو هیئت علمی بخش ادبیات و زبان فارسی گرایش محض، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

چکیده

یکی از بخش‌های اصلی مورد بحث در جغرافیای اجتماعی، جغرافیای اجتماعی زنان شهری است. پروین اعتصامی، از شاعران برجسته‌ی عصر مشروطه و دوره حکمرانی رضاشاه است که اشعارش، در حوزه‌ی ادبیات از مضامین اخلاقی، اجتماعی و سیاسی برخوردار است و یکی از مضامین مطرح ایشان، سیمای زنان شهری است. در این پژوهش، تلاش بر آن است تا با یک رویکرد جغرافیایی اجتماعی زنان شهری، به این پرسش پاسخ داده شود که انواع واکنش‌ها و بازتاب عقده‌های حقارت و شیوه‌های جبران در برابر جامعه‌ی حاکم، با توجه به دکترین جبران مضاعف آدلر در اشعار پروین اعتصامی چیست؟ روش انجام این پژوهش توصیفی تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به مؤلفه‌های جغرافیای اجتماعی زنان شهری می‌توان گفت که از آنجا که اعتصامی در سروده‌های خود، به ترسیم هویت و جایگاه زنان در جامعه‌ی سنتی و مردسالار اهمیت ویژه‌ای داده است، نتایج حاکی از آن است که نادیده گرفته شدن او و همجنس‌انسانش در جامعه‌ی تحت تسلط فضای مردسالارانه، موجب ایجاد احساس حقارت و عقده‌های ناشی از آن شده است. با توجه به اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه در عصر پروین، شاعر برای جبران مضاعف به عنوان نماینده‌ی زنان محروم و سرخورده، سیمای زنان جامعه را برجسته و مهم جلوه می‌دهد.

کلمات کلیدی: جغرافیای اجتماعی، محیط‌های شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی، کیفیت زندگی شهری.

^۱ (نویسنده مسئول): nahidakbari7@yahoo.com

اصطلاح جغرافیایی اجتماعی شهری اولین بار توسط دی رویرز، جامعه‌شناس فرانسوی، در سال ۱۹۸۴، زمانی که جلد اول کتاب جغرافیای جدید جهانی، زمین و انسان‌ها، اثر ریکلاس را مطالعه می‌کرد، به وجود آمد. این اثر یکی از جامع‌ترین و برجسته‌ترین آثار در تاریخ جغرافیا از زمان انتشار آثار الکساندر فون همبولت و کارل ریتز بوده است. ریکلاس، تحت تأثیر کتاب انسان و طبیعت - جغرافیای تعدیل‌شده توسط اعمال انسان، نوشته‌ی مارش، در سال ۱۸۶۴ قرار گرفت. این کتاب یکی از متون بنیادی اکولوژی مدرن محسوب می‌شود؛ بنابراین او به مقابله با دیدگاه جغرافیایی مسلط آن زمان که عبارت بود از محیط‌گرایی جبری طبیعی پرداخت. ریکلاس آنارشیست^۱ و اعضای مکتب لپلی^۲، با تشریح شرایط جغرافیایی، ضرورت شکل‌گیری اجتماع جدید را مطرح کردند. آن‌ها انواع جدید فعالیت‌های حاصل از پیامد فرایندهای صنعتی شدن را که عبارت بود از «فناوری صنعتی» مطرح کردند. یکی از مؤلفه‌های اصلی جغرافیای اجتماعی که مورد بحث قرار می‌گیرد، جغرافیای اجتماعی زنان شهری است و در این بعد یا بهتر گفته شود، شاخه جغرافیای اجتماعی از مؤلفه‌هایی هم چون سطوح نابرابری جایگاه اجتماعی زنان شهری، سطوح درآمد زنان شهری، عدالت جنسیتی شهری و ... بحث می‌گردد (رایکمن، ۱۳۸۷: ۵).

یکی از شاعرانی که اشعار او در فارسی نگاه عمده‌ای به مؤلفه‌های جغرافیای اجتماعی زنان شهری داشته است، پروین اعتصامی است. هر یک از آثار ادبی گویای این واقعیت هستند که هر پدیده، بنا بر جهان‌بینی و طرز تفکر پدید آورده‌اش، به جنبه‌ی خاصی از جریان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در جامعه اشارات مستقیم یا غیرمستقیمی دارند. آن چه در این پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرد، سروده‌های پروین اعتصامی است که به روش توصیفی - تحلیلی به جنبه‌های روان‌شناختی شخصیت آلفرد آدلر (مطالعه‌ی در عقده و احساس حقارت و جبران مضاعف و واکنش در برابر آن) به آن نگریسته می‌شود. پروین اعتصامی با نگاه عدالت‌جویانه‌ی خویش، در اشعار خود، نسبت به حقارتی که در اثر ظلم و ستم جامعه نصیب زنان شده است، واکنش‌های درخور توجهی از خود بروز می‌دهد. با توجه به این که او شاعری انسان‌گرا است و اندیشه‌های انسانی را با شیوه‌ای بدیع و آمیخته به احساس و عاطفه در قالب نظم در آورده است. بازتاب عقده‌های حقارت ناشی از تبعیض‌های اجتماعی به عنوان نماینده زنان ستم‌کشیده‌ی جامعه - و نقش آن‌ها در جبران مضاعف و برتری جویی می‌تواند در خور شرح و بسط از منظر الگوی روانشناسی آدلر باشد. او شعرش برای مردم عصر خودش است و جز عافیت جامعه‌ی خود آرزویی ندارد (مؤید، ۱۳۶۶: ۴۲). اهمیت این پژوهش را در گستردگی و تنوع دامنه‌ی موضوعات و نظریات مختلف پیرامون روان‌شناختی اجتماعی به ویژه در طی چند دهه‌ی گذشته، می‌توان مجسم کرد. هر یک از آثار ادبی گویای این واقعیت هستند که هر پدیده، بنا بر جهان‌بینی و طرز تفکر پدید آورده‌اش، به جنبه‌ی خاصی از جریان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در جامعه اشارات مستقیم یا غیرمستقیمی دارند. آنچه در این پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرد، سروده‌های پروین اعتصامی است که به روش توصیفی - تحلیلی به جنبه‌های جغرافیایی اجتماعی به آن نگریسته می‌شود.

¹ Ricklas Anarchist

² Liplee School

در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر تاکنون تحقیقاتی انجام شده است که با نتایج تحقیق حاضر متفاوت است. -انعکاس نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی. بهار ۱۳۸۷، مقاله‌ای از اکبر مجد الدین: پروین اعتصامی درباره‌ی مردان و زنان وابسته به گروه با زمینه‌های مختلف اجتماعی سخن گفته است و بدین‌سان آینه‌ای را در برابر مخاطبان خود قرار داده است و کژی‌ها و کاستی‌های جامعه و قصور آن‌ها درباره‌ی تعهدات اخلاقی را به آنان می‌نمایاند. همچنین در مناظرات با زبان و بیانی فصیح و رسا اندیشه‌های اساسی خود را درباره‌ی زندگی و مرگ و عدالت اجتماعی، اخلاقیات، آموزش و اهمیت والای دانایی و موفقیت را ارائه می‌کند. -جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی. زمستان ۱۳۹۲، مقاله‌ای از موبد حشمت. دیوان پروین برخلاف بسیاری از مجموعه‌های اشعار دیگران دفتر چکامه‌هایی غیر مرتبط و گاه‌گاهی و حسب‌حال و بیانگر واکنش‌های آنی و متغیر نسبت به پاره‌ایی از حوادث گذران و تجربه‌های خصوصی نیست. در حقیقت اشعار پروین را می‌توان بر حسب موضوع دسته بندی کرد و هر قسمت را زیر عنوانی مناسب گذاشت. -مفهوم تجدد و رویکرد نئو کلاسیک در دیوان پروین اعتصامی. پاییز ۱۳۹۰، مقاله‌ای از مریم مشرف. پروین اعتصامی از پیشروان شعر عصر تجدد در ایران است او با مبانی خردگرایانه‌ی شعر خود نیازهای عصر روشنگری مشروطه را پاسخ داد و نوع شعر نئوکلاسیک فارسی را بنا نهاد. واقع‌گرایی و تکیه بر خرد و اراده و مسئولیت انسان در تبادل سرنوشت خود شالوده‌ی نگاه اجتماعی او را تشکیل می‌دهد. پرهیز از اوهام و تکیه بر کار و تلاش در شعر او درون مایه‌ای است که به خوبی با نیازهای عصر تجدد هماهنگ است. بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی. تابستان ۱۳۹۳، مقاله‌ای از دکتر عنایت، شریف پور، مرجع زاده. آنچه از مضامین و معانی اشعار پروین می‌توان درباره روحیات او استنباط کرد روحیه‌ی ظلم‌ستیزی، توجه به وضع محرومان و ستمدیدگان، توجه به زوال و ناپایداری جهان، توجه به مرگ و کوتاهی عمر و حسن عدم امنیت است که در اشعار وی انعکاس یافته است. پروین تحت تاثیر این عواطف خود و دیگران را توجیه به اغتمام فرصت، نیکی، دستگیری از نیازمندان دوری از نیازمندان دوری از غفلت هوشیاری و آگاهی دلنشین به جهان و تعلقات دنیوی دوری از تکبر و غرور و... می‌کند.

مؤلفه‌های جغرافیای زنان شهری با تاکید بر عصر پروین اعتصامی

مؤلفه‌های جغرافیای اجتماعی زنان شهری

مؤلفه‌های مختلفی در جغرافیای اجتماعی زنان شهری مورد بحث قرار می‌گیرند از جمله یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی در شهرهای امروزی، نابرابری میان زنان و مردان است که عنصر تازه‌ای در بافت شهری نیست. این نابرابری در فضای شهری منجر به بروز مسائل و مشکلاتی به ویژه در کلان‌شهرها شده است. یکی از این مسائل و مشکلات طرد اجتماعی برخی از شهروندان در فضای شهری است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۵). از جمله مؤلفه‌های دیگر جغرافیای اجتماعی زنان شهری، می‌توان به تأثیرات رشد شهرنشینی بر جایگاه زنان اشاره نمود به عبارت دیگر، رشد شهرنشینی و تمایل جمعیت‌های انسانی به محیط‌های شهری، اهمیت مفهوم کیفیت زندگی شهری را بیش از پیش نمودار ساخته است، سکونتگاه‌های غیررسمی که بازتابی از کاستی‌ها و نارسایی‌های

سیاست‌های دولتی و بازار رسمی محسوب می‌شود دارای مشکلات عدیده‌ای از جمله کیفیت پایین زندگی - من جمله در مورد زنان - شده است (رحیمی و کارگر، ۱۳۹۹: ۹۲).

مؤلفه‌های جغرافیای اجتماعی زنان شهری در عصر پروین اعتصامی

۱۵ سال از زندگی پروین در دوران قاجار قرار دارد (ذوالفقاری و میرزایی، ۱۳۹۰: ۲۲). در دوران قاجار، به تعلیم و تربیت زنان توجهی نمی‌شد، بیشتر دختران خانواده‌های اشرافی نزد ملا درس می‌خواندند که بیشتر هم زن بودند (آرین پور، ۱۳۷۹: ۵)؛ اما کم‌کم زمزمه‌های مشروطه و آزادی، زمینه را برای طرح مسائل جدید مطرح کرد. همزمان با تولد پروین، فرمان مشروطه پس از سال‌ها، نهضت عدالت‌طلبی صادر شد. «هرج و مرج و عدم حضور یک دولت متمرکز خودکامه، به آزادی خواهان و روشنفکران، اجازه‌ی اندیشیدن و ابراز وجود می‌داد. در جریان جنبش مشروطه، با همه‌ی فعالیت‌هایی که با هرگونه ابداع و ابتکار و تخلف از سنن قدیمی صورت می‌گرفت، خواه‌ناخواه، به اقتضای زمان، بعضی از اندیشه‌ها و مضامین نو در اذهان و افکار مردم راه یافت، مانند حمایت از ایران انقلابی، مبارزه با استبداد شاه، مخالفت با جهان خوران امپریالیست، وطن‌خواهی و بحث انتقادی از خرافات و تعصبات جاهلانه و لزوم تعمیم فرهنگ و گاهی صحبت از محرومیت و عقب‌ماندگی زنان به عنوان قشر ضعیف جامعه در عالم ادبیات جلوه‌گری می‌کرد» (راوندی، ۱۳۷۴: ۳۸۳).

در واقع، یکی از بزرگ‌ترین وقایع تاریخ ایران، انقلاب مشروطیت بود که تحول عظیمی در شئون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد. بعد از انقلاب مشروطیت، سید حسین خان عدالت، اولین کسی بود که در دفاع از حقوق زنان در روزنامه‌ی عدالت مقالاتی نوشت. انجمن آزادی زنان، مجله‌های زنان آزادی‌خواه و همکاری مطبوعاتی زنان شکل گرفت. لاهوتی، ایرج، عشقی، بهار، پروین، شهریار و... هرکدام سروده‌های زیبایی برای نشان دادن زن در جامعه سرودند و همگی با موهومات و تعصبات ناعادلانه‌ای که در جامعه بر دوش زنان سنگینی می‌کرد، مخالف بودند. پروین مربوط به دورانی است که در نظام ارزشی و فرهنگ و مناسبات عینی جامعه‌ی ایرانی - حتی در گفتار - سخنی از برابری همه‌جانبه‌ی زن و مرد در میان نبود. «طبقه‌ی نسوان» در قانون اساسی مشروطه در کنار «مجانین»، از حق رأی دادن محروم بود و پیشروترین متجددان آن روزگار نیز که قریب به اتفاق، مرد بودند. حداکثر، از تعلیم و تربیت و پیشرفت نسوان سخن می‌گفتند. پهلوی اول که کشف حجاب را بر جامعه تحمیل کرد، خود از مدافعان چندمسری مردان و نابرابری حقوقی زنان بود. پروین در دورانی شعر می‌سرود که فضای غالب فرهنگی روزگار خلاقیت هنری در حد متعالی را در زنان باور نمی‌کرد (زروندی، ۱۳۸۶: ۷۹).

پروین اعتصامی درباره مردان و زنان وابسته به گروه با زمینه‌های مختلف اجتماعی سخن گفته است و بدین‌سان آینه‌ای را در برابر مخاطبان خود قرار داده است و کژی‌ها و کاستی‌های جامعه و قصور آن‌ها درباره تعهدات اخلاقی را به آنان می‌نمایاند (اکبر، ۱۳۸۷: ۳۶۵). پروین، در اشعار خود با یادآوری محدودیت‌ها و دوران سخت و ناهمواری را که زن در جامعه‌ی ایرانی پشت سر گذاشته است، کوشیده تا سیمای واقعی زن را به جامعه‌ی خود نشان دهد. او آشکارا بیان داشت که زن، رکن خانه‌ی هستی و هموارکننده‌ی راه زندگی است (صحراپی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

نگاهی گذرا به بازتاب جایگاه زنان در آثار مختلف ادبی با توجه به مؤلفه‌های جغرافیای اجتماعی زنان شهری

گفته شد که مؤلفه‌های جغرافیای اجتماعی زنان شهری از جمله در ارتباط با مباحثی هم چون نابرابری حقوق و جایگاه زنان، نابرابری در سطوح درآمدی و جایگاه اجتماعی آنها و کیفیت یا عدم کیفیت زندگی آنها می‌شود. هر یک از این مؤلفه‌ها را شاید بتوان به مؤلفه‌های چندبعدی در نظر گرفت اما تأثیر جنبه‌ها و ابعاد جغرافیای اجتماعی در آنها مشهودتر است. در ایران، گواه اعتقاد به برتری زنان بر مردان را می‌توان در برخی از متون مذهبی پیش از اسلام (گات‌ها یا گاهان) یا اشعار شاهنامه‌ی فردوسی و منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی مشاهده کرد. با وجودی که در برخی از متون به زن نگاه مثبت دارند، اما آثار بسیاری نیز وجود دارند که به زن ارزش و بهایی نداده‌اند. در گات‌ها زن آزاد است که در پرتو خرد و شناخت خود، آنچه را که بهتر می‌داند، برگزیند. «زرتشت جوان‌ترین دختر خود «پروچیستا» را در انتخاب همسر آزاد می‌گذارد» (ستاری، ۱۳۷۵: ۱۸). شاهنامه درباره‌ی زن چنین اظهار نظر کرده است:

زن و ازدها هر دو در خاک به جهان پاک ازین هر دو ناپاک به

این بیت به داستان سیاوش (سیاوخش)، شاهزاده پاک نهاد ایرانی مربوط می‌شود که نامادریش سودابه به او دل می‌بازد و او را به سوی خود می‌خواند، اما پس از آنکه با مخالفت سیاوش روبه رو می‌شود و از وصل ناامید، نزد شوهرش کیکاوس چنین وانمود می‌کند که سیاوش قصد دست اندازی به او را داشته است. نگاه به زن در قابوسنامه نیز نگاهی قدرتمدارانه و سلطه جویانه است. عنصرالمعالی قابوس ابن وشمگیر، در این اثر سراسر پندآمیزش، رابطه با زن را در درجه‌ی اول از منظر روابط مالکیتی و خانه‌داری و سلسله مراتبی می‌نگرد:

«دختر نابوده به و چون نبود، یا به شوی به یا به گور»

«زن صالحه از نظر عنصرالمعالی زنی است که توانا و سخنور و متمکن باشد و باید از هر لحاظ از مرد فروتر باشد تا بتوان بر او مسلط شد» (قره داغی، ۱۳۸۰: ۸۰ - ۷۸). شخصیت‌های زن در کلیله و دمنه نیز، همسرانی خیانت‌کار و زنانی هوسران هستند که هیچ‌کدام نام و هویتی مستقل از خود ندارند. «بسیاری از حکایات موجود در کلیله و دمنه، زنان خائن و شهوت‌ران و در پی نارو زدن به همسران خود هستند» (ببزار گیتی، ۱۳۸۸: ۱۳۰):

«زنی بدکاره که کنیزکان آنکاره داشت...»

زن در آثار عرفانی دارای دو سیمای مثبت و منفی است. از سویی وسیله‌ی پالایش روحی و واسطه‌ای برای التذاذ روحانی و ریسمان شیطان و زمانی دستاویزی عرفانی برای رسیدن به حق. از نظرگاه دسته‌ای از عرفا که به عرفان عاشقانه توجه دارند، خداوند آدم را خلق می‌کند و همسری از جنس خودش برایش می‌آفریند و در دل‌هایشان انس و الفت می‌نهد تا در سایه‌ی این انس در کنار یکدیگر آرامش یابند این خلقت و ایجاد مهر و محبت از نشانه‌های محکم خداوند قرار می‌گیرد تا افراد بشر را به تفکر وادارد که چگونه این محبت نمادین در بین سایر اجزاء عالم جاری و ساری می‌گردد و آفرینش را برمدار مهر به حرکت و جنبش وادار می‌سازد، آنگاه همه‌ی اجزای عالم بر اصل تضاد و کشش متقابل نرینه و مادینه استوار می‌گردد (زینی، ۱۳۹۱: ۱۲۹). مثلاً احمد جام در تعبیری زیبا نیاز آدم به مونس را این‌گونه بیان کرده است:

آدم از خدای تعالی مونس می‌خواست؛ خدای تعالی حوا را آفرید گفت تا هم‌جنس تو باشد تا تو را دل بنگیرد و صفت آدمی چنین است که بی مونسی زندگانی نتواند کرد، لابد همچنین قرینی بیابد» (جام، ۱۳۴۷: ۱۸۷). باورهای منفی در باب زن در اشعار جامی، اغلب در کنار باورهای مثبت درباره‌ی مرد قرار می‌گیرد. در سلامان و ابسال جامی، شاعر سعی کرده اکثر باورهای منفی زنان را به نمایش بگذارد تا در تحقیر و خوارداشت زن نهایت تأثیرگذاری را ایفا کرده باشد. جامی در سلامان و ابسال، صفات منفی شهوت پرستی، بی‌ارزشی، توقعات بالا، بی‌وفایی، خاموشی و محکومیت به سکوت و فنا و فقدان شعور و خرد را به زنان نسبت داده است. او در خوارداشت زنان نهایت سعی خود را داشته و در لباس پادشاه یا حکیم، عقاید خود را درباره‌ی زنان و نکوهش آنان در مقابل ترسیم قدرت و تفوق مردان در مقابل این جنسیت ضعیف بیان کرده است. جامی در این اثر، زن را مایه‌ی گمراهی و فریب معرفی می‌کند و او را به سکوت و تسلیم در برابر سرنوشت و حتی در برابر اوامر مردان محکوم می‌کند. او در پایان داستان، حتی زن را محکوم به فنا و نابودی معرفی می‌کند:

در حکایت‌های عرفانی موارد بسیاری دیده می‌شود که زنان خود را بر مردان عرضه می‌کنند تا میزان صداقت و ایمان آنان محک زده شود، گاه مردان مرد و عارفان از این آزمایش سربلند بیرون می‌آیند و گاه «خذلان ابدی» دامن آنان را می‌گیرد و به گمراهی کشیده می‌شوند. درحالی‌که گروهی دیگر از عرفا، زن را نیاز طبیعی مردان می‌دانند، اما زاهد خداترس آن را نمی‌پذیرد و از آن دوری می‌کند تا به پاداش دوری جستن از شهوت، پاک بماند و این همان عرفان عابدانه است (زینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). پیش‌دآوری حاصل تمایل طبیعی فرد برای قالب‌بندی جهان به منظور معنا دادن به آن است. این قالب‌ها مبتنی بر واقعیت نیستند، بلکه بر اساس تجارب قبلی محدود فرد که آن را درست و قطعی تلقی می‌کند، شکل می‌گیرد. درواقع، این فکر در ذهن یکی از طرفین به عنوان یک سنت غلط عجین شده که طرف مقابل در خور نکوهش و نقد است. هرکس در شعر پروین دقت کند متوجه این مطلب می‌شود که «او با جلوه‌ای مردانه، شاید نخستین زنی باشد که فاصله‌ی ارزش اجتماعی زن و مرد را از بین برده و بر این اصل تاکید داشته که ادبیات و هنر فقط در انحصار مردان نیست» (چاوش اکبری، ۱۳۷۸: ۱۹۵-۱۹۶).

از آنجا که پروین خود یک زن است و احساساتش با مشکلات زنان و دختران جامعه‌اش درآمیخته، جزء موفق‌ترین شاعرانی محسوب می‌شود که در شرح احوال زنان و دختران جامعه‌ی خویش موفق بوده است. «او به عنوان یک شاعر زن، به ابعاد تغزلی زن اشاره‌ای نکرده و دلیل آن نیز روح مستغنی وی و زندگی پارسا منش وی و همچنین، ناکامی و رنجشی است که در زندگی شخصی وی (ازدواج ناموفق خود) رخ داده است» (ممتحن و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). شاعر در بیت زیر، خطاب به خودش - نماینده‌ی تمام دختران و زنان جامعه‌اش، می‌گوید که بعد از وارد شدن به خانه‌ی شوهر، گویا زن وارد قفس سنت جامعه‌ی مردسالار شده و محبوس و گرفتار سنت و عقاید دیرین گذشته است، زیرا با او به درستی رفتار نمی‌کنند

آدلر و دکترین وی با تاکید بر معیارهای جغرافیای اجتماعی زنان شهری

تنها شاعری در اروپا که اشعار او به مانند پروین اعتصامی به مؤلفه‌های جغرافیای اجتماعی زنان شهری توجه داشته است، آلفرد آدلر بوده است. می‌توان مؤلفه‌هایی هم چون رفتارشناسی اجتماعی زنان شهری، سطح مشارکت اجتماعی آنها در بافت اجتماعی شهری و ... را در اشعار آدلر جستجو نمود (فیست و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۲). با این

حال، نکته ای که آدلر را از پروین اعتصامی جدا می سازد آن است که در علت شناسی نابرابری سطوح زنان شهری، آدلر معتقد به نوعی نابرابری ذاتی اجتماعی شهری برای زنان نسبت به مردان بوده در حالی که پروین اعتصامی این چنین دیدگاهی را ندارد. او معتقد بود که احساس حقارت از نوعی احساس بی کمالی یا ناتمامی در هر بعد از زندگی پدیدار می شود. به نظر آدلر حقارت نشانه ی غیرعادی بودن نیست، بلکه علت تمام پیشرفت ها و بهبودی ها در زندگی انسان می باشد، مثلا شخصی که عضو معیوبی دارد، اغلب می کوشد با تقویت آن عضو، از راه تربیت فشرده، آن ضعف را جبران کند. همه افراد در تجربه های نخستین شان در جریان مقایسه خود با جهان اطراف، دچار احساس ضعف و ناتوانی می شوند. کودک در عمل می بیند که در اطراف او، افرادی مستقل و نیرومند زندگی می کنند که قادرند به میل و اراده خود، به هر کاری اقدام کنند. در حالی که او در کلیه امور زندگی، حتی رفع نیازهای ابتدایی خویش، نیازمند دیگران است؛ بنابراین احساس حقارت در وی ایجاد می شود.

طبق اعتقاد او، عوامل اجتماعی پیرامون یک فرد، رفتارهای انسانی او را رقم می زند. او عامل اصلی در میل انسانها به پیشرفت، تحرک و ترقی را عامل «احساس حقارت و میل به برتری جویی در پی آن» می داند. طبق نظر وی، انسانها برای رسیدن به قدرت اشتیاق دارند و این اشتیاق، از همان درد حقارت سرچشمه می گیرد. «فرد برای غلبه بر این حس ناخوشایند و جبران حقارت های خویش (خواه واقعی باشند یا خیالی) تلاش می کند به برتری دست یابد. انسان به هنگام تولد ناتوان است و برای رفع نیازهایش به پدر و مادر وابسته. این حس ناتوانی و حقارت است که کودک را هر روز درصدد مستقل شدن انگیزش می کند تا انسانی بالغ و خود اتکا شود. آدلر اعتقاد داشت که احساس حقارت هر چه فرد توانگرتر می شود ادامه دارد» (آدلر، ۱۳۶۱: ۶۰) بنابراین، در نگاهی کلی، هر فردی در راه مبارزه با حس حقارت خود، دو حالت را تجربه می کند:

عقده ی حقارت^۱

جبران: تلاش برای رسیدن به برتری^۲ (عرب و حق پناه، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

تجزیه و تحلیل دادهها

در نگاهی کلی، نقد اجتماعی بخش قابل توجهی از سروده های پروین را تشکیل می دهد. این نقد اجتماعی با دو وجه آمیخته است. نخست با وجه احساسی و دوم با وجه منطقی. وجه احساسی شامل حس مادرانه و زنانه است و وجه منطقی شامل اندیشیدن به نظام اجتماعی و انسانی» (عابدی، ۱۳۷۹: ۴۱).

سروده های پروین، با محتوای زنانه را می توان طبق نظریات آدلر بدین گونه، تحلیل و طبقه بندی کرد

بازتاب عقده حقارت در قالب مضامین خشم و اعتراض و بد بینی

احساس حقارت در پروین به عنوان زنی از جامعه ای مردسالار و سرکوبگر زن ها، باعث شد تا پروین در جهت از بین بردن آن حس و عقده و یا در جهت بهتر و برتر شدن وضعی کنونی خود و همجنسانش، تلاش زیادی را از خود نشان دهد. این تقلا و تلاش، همان تمایل مثبت آدلری است که برای غلبه کردن بر نقص ها و کمبودهای خود

^۱ inferiority complex

^۲ compensation

در وی ایجاد شده است. مقامی که پروین برای زن قائل است و آن را بارها در اشعارش مطرح می‌سازد، خیلی بالاتر از مقامی است که مدعیان تجدد برای زن ایرانی در نظر داشته و پیشنهاد و تحمیل کرده‌اند، زن شعر پروین چون خود او موجودی قدسی، سازنده، مستحق و قادر به دانا شدن و آفرینش نیکی‌ها و پروردن فرزندان برومندی است. وی حقوق زن و مرد را یکسان می‌داند در حالی که اکثر شاعران مرد این حق را یکسان بیان نکرده‌اند. همچنین به سرمایه‌های اجتماعی زنان بسیار توجه می‌کند. این‌که زن فقط نباید در خانه عهده دار وظایف خویش باشد، بلکه مشاغل اجتماعی هم باعث برجستگی هویت او می‌شود. در ادامه ی سخن، اندیشه ی پروین را در مورد دوران سختی که زنان در گذشته، پشت سر گذاشته‌اند و تلاش او جهت آگاهی دادن به زنان نسبت به قابلیت‌ها و شایستگی‌هایشان، نشان دادن سیمای واقعی و جایگاه اصیل زن و ارزش و مرتبه ی او و نیز معیار برتری یا نقصان انسان، چه زن و چه مرد، نشان داده می‌شود:

پروین در زمانه ای می زیست که مردمانش اسیر و گرفتار سنت بودند و نمی توانستند از قید و بند سنت فضای مردسالار و تبعیض جنسیتی رها شوند؛ اما خود او در آن زمان، تحصیلات خود را در کالج آمریکایی به پایان رسانید؛ و در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی که هجده مرحله از سنین عمرش گذشته بود، فارغ التحصیل شد. وی احساسات خود را از این حیث در قطعه ای به نام نهال آرزو چنین بیان می کند تا به نوعی، زنان را با کسب علم آشنا کند و به این پیشداوری‌های نامناسب از جانب مردم سنتی (پسر هشیار و دختر کودن است) خاتمه دهند:

پستی نسوان ایران جمله از بی دانشیست مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است
زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست شاهراه سعی و اقلیم سعادت روشن است
به که هر دختر بداند قدر علم آموختن تا نگوید کس پسر هشیار و دختر کودن است
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۲۶۳)

این داستان هم روایت پیش داوری نامناسب گل از وجود خاک است که ناشی از درک نامناسب و استنباط‌های نامعقول وی از دیگری است. یکی از برجسته‌ترین قسمت‌های سروده‌های پروین، مناظره‌هایی است که بین موجودات غیر انسانی صورت می‌گیرد و جنبه‌های سرگرم‌کننده‌ای برای مخاطبان کم سن و سال دارد. مساله ی شخصیت بخشیدن و حیات و جنبش دادن به اشیا و عناصر طبیعت چیزی است که نمونه‌های آن را در شعر بسیاری از شاعران می‌توان دید، اما توانایی شاعران در این راه یکسان نیست. بعضی از شاعران به مساله ی تشخیص بیش از دیگران پرداخته‌اند و این نکته سبب شده است که در شعر آنان وصف‌ها با حرکت و حیات بیشتری همراه باشند و از میان آنان که به این مساله گرایش بیشتری داشته‌اند باید توجه داشت که بعضی توانسته‌اند از عهده ی این کار برآیند:

صبحدم تازه گلی خود بین گفت
کز چه خاک سیه ام در پهلوست
(همان: ۴۴)

و خاک در جواب او، درک نادرستش را به رخ او می‌کشد:

همه از دولت خاک سیه است
که چمن خرم و گلشن خوشبوست

همه طفلان دبستان مند

هر گل و سبزه که اندر لب جوست

پوستین بودمت ایام شتا

چو شدی مغز رها کردی پوست

(همان)

بخش عمده‌ای از پیش داوری بصورت ناآگاهانه انجام می‌شود و در فرضیات قالبی روزمره در مورد سایرین نمود پیدا می‌کند. این تعمیم‌ها رفتار افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهند و موجب می‌شود که در مورد بخش‌های مختلف اجتماع تبعیض قائل شوند. بسیاری غالباً یاد گرفته‌اند که حقایق را به غلط تعمیم می‌دهند. نه به دلیل بدخواهی یا تنفر، بلکه به این دلیل که در اغلب موارد این کار آسانتر از درک تفاوت‌ها و پیچیدگی‌های واقعی دنیای اطرافشان است. در دیوان اشعار او عناصر جاندار و بی‌جان طبیعت همه حاضرند و از خود و دردها و رنج‌های خود سخن می‌گویند. جاندارپنداری یکی از نشانه‌های شعر کودکان است.

بیان محرومیت‌ها و محدودیت‌های زنان جامعه شهری

طبق نظریات آدلر، اگر شخص در برابر احساس حقارت خود اظهار ناتوانی کند و نتواند در برابر آن، عمل مثبتی به عنوان جبران انجام دهد، منجر به افزایش عقده‌ی حقارت در وی می‌شود. این عقده‌ی حقارت، برخلاف احساس حقارت - که امری طبیعی در وجود انسان است - کاملاً غیرطبیعی و مضر است، لذا «فرد را به ابراز رفتارهای ناپسندی و امیدارد که خشونت و تنفر، از جمله‌ی این رفتارها می‌باشند» (آدلر، ۱۳۶۱: ۱۳۳ و ۱۳۴). در اشعار پروین احساس حقارت و تبدیل آن به عقده‌ی حقارت کاملاً روشن و واضح است. پروین، به نمایندگی از زنان جامعه‌ی عصر مشروطه، عقده‌ی حقارت خود را نسبت به وضعیت تأسّفبار زنان سرخورده در جامعه‌ی مردسالار، در قالب مضامینی پیرامون «تنفر»، اعتراض و خشم» و «بدبینی» نسبت به این اوضاع در جامعه ابراز می‌کند. با توجه به نظریه‌ی آدلر، تنفر و بدبینی، یکی از صفات افراد مبتلا به عقده‌ی حقارت است و این صفت به صورت آشکار وجود ندارد، بلکه خود را به شکل انتقادی سر بسته و خاموش نشان می‌دهد» (همان: ۱۵۸-۱۶۱). پروین اعتصامی در اشعار خود بارها به محدودیت‌ها و سختی‌هایی که زن در جامعه‌ی ایرانی پشت سر گذاشته اشاره کرده است و نسبت به بی‌انصافی‌ها و ناعدالتی‌هایی که نسبت به زنان در جامعه می‌شد، بانگ اعتراض سر داده است. او از احساس تنفر و بیزاری نسبت به جامعه‌ی مردسالار خالی نبود و با مشاهده‌ی تضعیف مقام زنان و ظلم و بی‌عدالتی‌هایی که نسبت به آنها میشد، احساس حقارت به وجود آمده و در وی، گسترش یافته و تبدیل به عقده‌ی حقارت شد تا جایی که این عقده را در قالب انتقاد و اعتراض نسبت به جامعه و نفرت و بیزاری از این وضع بیان داشت: «سخنان پروین را باید عقده‌های مترکم اما خاموش صدها سال محرومیت زن شرقی - ایرانی به حساب آورد» (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود پیشه اش جز تیره روزی و پریشانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۲۹)

اینکه پروین از عقده‌ی حقارت ناشی از نادیده گرفته شدن در جامعه و بی‌هویتی خود و هموعانش بگوید، دلیل کاملی بر این مدعاست که وی نماینده‌ی زنانی است که دچار عقده‌ی حقارت در جامعه‌ی مردسالاری حاکم شده بود. زندگی این قشر وسیع از جامعه در پریشانی و انزوای خانه می‌گذشت. «هر یک از افراد داستان، شبه شخصی است تقلید شده از اجتماع که بینش جهانی نویسنده به آن فردیت می‌بخشد» (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۴۹). در نگاهی کلی، محدود کردن ماجراهای روزمره‌ی زنان به فضای خانه و خانه‌داری، بچه‌داری و ... نشان از دنیای کوچک و تنگ و تار‌زنانی دارد که مجبور هستند بر دل بستگی‌هایشان به رهایی و آزادی خط بکشند و عشق و احساسات خود را نادیده بگیرند. داستان زندگی زنانی است که در یک جامعه سنتی اسیر هستند. گویی زنان زندانی مردان بودند و زندگی و مرگ برایشان یکسان بود، زیرا اشخاصی بی‌هویت بودند. او در شعر «زن در ایران» به درماندگی زن ایرانی در چنبره‌ی فرهنگ مردسالار اشاره می‌کند. او با عقده‌ی حقارت خود، سرنوشت زنانی را فریاد می‌زند که قربانی ظلم و ستم جامعه‌ی مردسالار و قوانین نابرابر اجتماعی شده‌اند و در خانواده و اجتماع، جایگاه مقبولی ندارند:

در عدالت خانه‌ی انصاف زن شاهد نداشت در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود
دادخواهی زن می‌ماند عمری بی‌جواب آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۳۰-۱۲۹)

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت زن چه بود آن روزها گر زن که زندانی نبود
کس چو زن اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۲۹)

بی‌انصافی و سختی که در حق زنان جامعه‌اش می‌شد، به تصویر می‌گشود و معتقد است دلیل این محرومیت و فقر فرهنگی و اجتماعی که نصیب زنان شده است، به خاطر بی‌ارزش بودن وجود زنان نیست، بلکه جامعه‌ی مردسالار و زن‌ستیز چنین جلوه می‌داده است: نور دانش را ز جان تن‌نهادن می‌داشتند این ندانستن ز پستی و گرانجانی نبود (اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۳۰).

او از اینکه زنانی مانند خودش در جامعه دچار بی‌عدالتی می‌شوند، احساس حقارت می‌کرد و آن را بر زبان می‌آورد. گویی روش و رویه‌ی حاکم بر جامعه، نادیده گرفتن حقوق زنان بود و کسی از میان آنها علیه این بی‌عدالتی قیام نمی‌کرد. شاعر، عقده‌ی حقارت خود را ناشی از حضور عرف و فرهنگ نامناسب جامعه می‌داند که زنان در آن چاره‌ای جز سوختن و ساختن ندارند:

از برای زن به میدان فراخ زندگی سرنوشت و قسمتی جز تنگ میدانی نبود
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۲۹)

عدم رضایت پروین به عنوان زن از موقعیت کنونی (فضای مردسالار و زن‌ستیز جامعه) و تلاش برای رسیدن به منزلت فراتر، وجود احساس حقارت و تلاش برای جبران را در وی تایید می‌کند. او از این که همجنسان او در مرتبه‌ی فروتر از مردان هستند، رنج می‌برد و بودن در این موقعیت انحطاط را نمی‌پسندد. لذا میتوان دریافت که «آنچه در اجتماع رخ میدهد، بزرگترین عامل در ایجاد حس حقارت است که عملکرد غیرمستقیم یا مستقیم آن می

تواند دربردارنده یکی از ارمغان‌های شخصیتی باشد» (قبادی و هوشنگی، ۱۳۸۸: ۹۸) و جایگاه نازل زن بودن در جامعه به تصویر کشیده شده در سروده‌های شاعر، احساس حقارت را برای شخصیت او به عنوان یک زن ایرانی و نماینده‌ی زنان دیگر به ارمغان آورده است. از آنجا که پروین خود یک زن است و احساساتش با مشکلات زنان و دختران جامعه اش درآمیخته، جزء موفق‌ترین شاعرانی محسوب می‌شود که در شرح احوال زنان و دختران جامعه‌ی خویش موفق بوده است. او به عنوان یک شاعر زن، به ابعاد تغزلی زن اشاره ای نکرده و دلیل آن نیز روح مستغنی وی و زندگی پارسا منش وی و همچنین، ناکامی و رنجشی است که در زندگی شخصی وی (ازدواج ناموفق خود) رخ داده است (ممتحن و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). شاعر در بیت زیر، خطاب به خودش - نماینده‌ی تمام دختران و زنان جامعه‌اش، می‌گوید که بعد از وارد شدن به خانه‌ی شوهر، گویا زن وارد قفسی شده و محبوس و گرفتار است، زیرا با او به درستی رفتار نمی‌کنند:

ای گل تو زجمعیت گلزار چه دیدی جز بدسری و سرزنش خار چه دیدی
ای لعل بدافروز تو با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی
رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۲۴)

به تصویر کشیدن نقش و مقام والای زنان در جامعه شهری

در سروده‌های اعتصامی، تلاش شاعر برای نشان دادن مقام والا و پنهانی زنان، تلاش او را در جهت برتری جوئی و جبران در جهت رفع احساس حقارت نشان می‌دهد. «پروین به عنوان نماینده‌ی زنان ضعیف جامعه، احساس می‌کند که آرمان‌های فکری او در فضای از بنیان متزلزل شده، رویاهای او از واقعیت‌ها بسی دور بوده اند، یک باره با تمام وجود در فضای خالی و تاریک درون خویش فرو می‌ریزد» (منوچهریان، ۱۳۶۲: ۶۳) و متوجه می‌شود که تلاش‌های او برای رسیدن به هدف بیهوده بوده است، بنابراین، او تلاش می‌کند دوباره جایگاه نازل زن را بالا ببرد تا بتواند با این واکنش، راه‌هایی را بر می‌گزیند که اولاً تبدیل شدن احساس حقارت را در وجود او به عقده‌ی حقارت نشان می‌دهد، ثانیاً خود را به عنوان زنی قابل و توانا به نمایندگی از سایر زنان، در مقام برجسته، به عنوان صاحب هویت جلوه گر کند. او در مرحله‌ی جبران، کوشید تا سیمای مثبت و واقعی زن را به جامعه‌ی خود نشان دهد. پروین، بنیان زندگی و شالوده‌ی عالم را بر محور زن نشان می‌دهد. به بیان او، زن، مایه‌ی انس و شفقت در محیط خانه است:

در آن سرای که زن نیست انس و شفقت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
به هیچ مبحث و دیباچه‌ی قضا نوشت برای مرد کمال و برای زن نقصان
زن از نخست بود رکن خانه‌ی هستی که ساخت خانه‌ی بی پای بست و بی بنیان
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۸۵)

اعتصامی اهمیت حضور زن در خانه را به قدری پررنگ جلوه می‌دهد که به بیان او، هموار شدن راه زندگی برای مرد، محصول سختی کشیدن‌ها و از خود گذشتگی‌های زن است. عشق و محبت گوهری است که از کان زن پیدا شده است. زن، فرشته‌ای است که جهان وجود را به نور خویش منور کرده است:

زن ار به راه متاعب نمی گذاخت چو شمع
نمیشناخت کس این راه تیره را پایان
چو مهرگر که نمی تافت زن به کوه وجود
نداشت گوهری عشق گوهر اندر کان
فرشته بود زن آن ساعتی که چهره نمود
فرشته بین که برو طعنه می زند شیطان
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۸۵-۱۸۶)

پروین ادعا می‌کند که بزرگی و والایی شخصیت‌هایی که شهره شده‌اند، نمودار بزرگی زنانی است که آنان را پرورده‌اند:

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
به گاهواره‌ی مادر به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان
چه پهلوان و چه سالک چه زاهد و چه فقیه
شدند یک سره شاگرد این دبیرستان
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۸۶)

او این ادعا را در قالب داستان و حکایتی شیرین نیز جلوه‌گر می‌کند. این بار، شاعر برای نشان دادن مقام والای زن به عنوان یک واکنش جبرانی در برابر عقده‌های حقارت خود، به داستان‌ها و مناظراتی روی می‌آورد که در پایان نتیجه‌گیری، زن را عامل و محرک زندگی و خانه و خانه‌داری نشان دهد و مشت محکم و کوبنده‌ای بر دهان فضای تاریک مردسالاری و زن‌ستیزی بزند. شعر زیر که مناظره‌ی قاضی از زبان خودش است که هنگام برگشت از محضر، خسته و عصبانی است و عامل این مشکلات را زن خود می‌داند و مدعی است که تمام این خستگی‌های من به خاطر تو و آسایش توست. زن در این داستان با خونسردی می‌گوید که من تابه حال از شرایط موجود شکایتی نداشته‌ام. ولی می‌خواهم یک روز جایمان را عوض کنیم. تو در خانه باشی و من در بیرون از خانه به جای تو کار کنم:

قاضی کشم ز محضر شامگاه رفت سوی خانه با حالی تباه
هر کجا در دید بر دیوار زد بانگ بر دربان و خدمتکار زد
کودکان را راند با سیلی و مشت گربه را با چوبدستی خست و کشت
کرد خشم آلوده سوی زن نگاه گفت کز دست روزم شد سیاه
تو ز سرد و گرم گیتی بیخبر من گرفتار هزاران شور و شر
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۴۸)

در پایان این حکایت، قاضی متوجه اشتباه خود می‌شود و می‌فهمد که اگر زن در خانه نباشد، همه چیز آشفته و در هم می‌شود. پروین با این کار، درصدد جبران حقارت ناشی از فرهنگ تحقیر و خوارداشت کارخانه‌داری زنان است تا نشان دهد که کار زن در خانه بسیار مهم و حیاتی است:

تا تو اندر خانه دیدی گیر و دار
چند روزی ماندی و کردی فرار

زن بدام افکند دزد خانه را از حقیقت دور کرد افسانه را

(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۴۹)

«ادبیات یک ملت هنگامی ادبیات محسوب می‌شود که به دستاوردهای متعالی، یعنی تعلیم و تربیت جوامع و نسل‌ها رسیده باشد» (حسینی حله، ۱۳۸۵: ۱)؛ شعر پروین نیز از این مقوله سهم بالایی را به ارث برده است. او همواره سعی کرده در سروده‌هایی که به مسائل زنان به عنوان یک مقوله‌ی اجتماعی و انسانی می‌پردازد، در خلال این تصویرسازی‌ها، پند و اندرز و تعلیم به زنان و دختران جامعه‌ی خود را هرگز از یاد نبرده است. هدف او از این اندرزگویی‌ها، جبران مافات است. او زنان را برای جبران، دعوت به خردورزی و رهایی از عزلت‌نشینی می‌کند، آنها را به خاطر غرق شدن در جهل، سرزنش می‌کند تا از جای خود بلند شوند و حرکتی بکنند.

اندرز و ترغیب زنان جهت رهایی از سرکوب شدن و بی‌هویتی

در جامعه‌ی مردسالار عصر پروین، نیاز به غلبه کردن بر احساس‌های حقارت به طور مداوم به او فشار می‌آورد و میل به کمال و جدایی از نقصان را به سمت خود می‌کشاند. او برای جبران کردن احساس‌های حقارت یا ضعف ناشی از وضعیت خود و زنانی مانند خود در جامعه، در جهت برتری و رسیدن به موفقیت - هرچند اندک - تلاش می‌کند. او سعی دارد زنان جامعه‌ی خود را به مرتبه‌ای بالاتر و بهتر برساند؛ بنابراین عامل اساسی برتری جوئی در وی، برانگیخته شدن همین احساس حقارت در وی است. در کل دیوان پروین نمی‌توان بیش از دویا چند تخلص پیدا کرد که آن هم در مقام سرزنش خویش است، نه خودستایی. او خود را به عنوان یک زن سرکوب شده به تصویر می‌کشد که فقدان خرد و عقل، او را به این مقام نازل رسانده است. او نشان می‌دهد که زن باید برای کسب هویت خود، به دنبال خردورزی باشد. او به طور غیرمستقیم به زنان هم عصر خود می‌گوید که دانش و بینش، مانند دو بالی است که هر فردی می‌تواند با آنها، حقیقت را بیابد و مادامی که هرکدام از این دو بال نباشند، فرد می‌تواند در معرض آسیب قرار بگیرد:

در تو پروین نیست فکر و عقل و هوش ورنه رنگ حق نمی‌افتد ز جوش

(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۲۵۱)

او تلاش نکردن برای کسب دانش و فضیلت را مهم‌ترین دلایل نقصان و عقب ماندگی زنان می‌داند. به خاطر جهل و بی‌خردی و عدم تحقیق در امور مختلف، قدرت در دست مردان باقی می‌ماند و باعث می‌شود آنها به عنوان جنسیت برتر حکمرانی کنند و موجب قدرت گرفتن فضای سیاه مردسالاری و ظلم و بی‌عدالتی نسبت به زنان می‌شود؛ بنابراین از این اوضاع، دل خوشی ندارد و با همراهی حس حقارت، ان را بیان می‌کند تا راهی برای گشایش و قیام و رهایی از این وضع موجود در زنان بیابد:

خرد گشود چو مکتب شدیم ما کودن هنر چو کرد تجلی شدیم ما پنهان
بساط اهرمن خودپرستی و سستی گر از میان نرود رفته ایم ما ز میان
همیشه فرصت ما صرف شد درین معنی که نرخ جامه‌ی بهمان چه بود و کفش فلان
برای جسم خریدیم زیور پندار برای روح بریدیم جامه‌ی خذلان

(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۸۷)

او معتقد است گوهری که بزرگی و کمال زن در گرو آن است، همانا فضیلت علم و دانش است، نه گوشواره‌هایی که زیورآلات ظاهری محسوب می‌شوند:

خرد گشود چو مکتب شدیم ما کودن
بساط اهرمن خودپرستی و سستی
همیشه فرصت ما صرف شد درین معنی
برای جسم خریدیم زیور پندار قماش دکه‌ی جان را
به عجب پوسانیدیم
هنر چو کرد تجلی شدیم ما پنهان
گر از میان نرود رفته ایم ما ز میان
که نرخ جامه‌ی بهمان چه بود و کفش فلان
برای روح بریدیم جامه‌ی خذلان
به هر کنار گشودیم بهر تن دکان

(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۸۷)

نه بانوست که خود را بزرگ می‌شمرد به گوشواره و طوق و به یاره‌ی مرجان
چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست چه سود ز رنگ جامه‌ی زربفت و زیور رخشان

(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۸۷-۱۸۸)

او حتی این امر را از خود نیز مستثنا نمی‌کند و در خطاب به خودش نیز اندرزگویی می‌کند تا به مخاطب بفهماند که او نیز یکی از دسته و رده‌ی آنهاست و همراه با آنها «ما» می‌شود:

برای گردن و دست زن نکو پروین سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۸۸). او عقیده دارد تقلید کردن زنان در آرایش‌ها و آرایش‌های زندگی مادی نه تنها سعادت زن را به ارمغان نمی‌آورد بلکه زمینه‌ی سقوط او را فراهم می‌نماید. این اندرزها همان واکنش جبرانی است که پس از مشاهده‌ی فضای سنگین و بی‌هویت زنان، گریبانگیر پروین شده تا آن‌ها را بر زبان بیاورد و به شکل انتقادات کوبنده جاری سازد تا ابرای جبران، ذهن گمشده و جهل زده را بیدار کند:

بهر زن، تقلید تیه فتنه و چاه بلاست زیرک آن زن کو رهش این راه ظلمانی نبود
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۳۰)

آب و رنگ از علم می‌بایست شرط برتری با زمرد پاره و لعل بدخشانی نبود
جلوه‌ی صد پرنیان چون یک قبای ساده نیست عزت از شایستگی بود از هوس رانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۳۰)

از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن زیور و زر پرده پوش عیب نادانی نبود
عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده است و بس جامه‌ی عجب وهوی بهتر ز عریانی نبود
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۳۰)

بی ارزش جلوه دادن عشق‌های

-

زمینی زن و مرد

اعتصامی به عنوان یک زن شکست خورده از عشق، برای جبران این عقده‌ی حقارات و خلأ، بار دیگر به گونه‌ای دیگر دست به کار شده و جبران می‌کند. او در اشعار خود هرگز به طور مستقیم از عشق به جنس مخالف سخن به

میان نمی آورد و در جاهایی هم که از عشق سخن می گوید، عشق الهی و به دور از هرگونه عشق زمینی و مادی بوده است؛ به همین سبب، «در هیچ کجای دیوان او، شعری که مصاحبت مردی در آن آرزو شده باشد، نمی بینیم» (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۹۶). البته «عده ای معتقدند عمر کوتاه وی، به او مجالی برای عشق ورزی زمینی و مادی نداده است» (خادم ازغدی، ۱۳۸۶: ۵۹). او عشق زمینی را بی ارزش جلوه می دهد و در عوض، عشق الهی را بزرگ و جاوید می شمارد:

سوختن، بگداختن، چون شمع و بزم افروختن تن به یاد روی جانان اندر آذر داشتن
اشک را چون لعل پروردن به خوناب جگر دیده را سوداگر یاقوت احمر داشتن
هر کجا نور است، چون پروانه خود را باختن هر کجا نار است، خود را چون سمندر داشتن
(اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۷۲)

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

پروین اعتصامی با نگاه عدالت جویانه ی خویش، در اشعار خود، نسبت به حقارتی که در اثر ظلم و جور و ستم جامعه نصیب زنان شده است، هرج و مرج های جامعه و فسادهای اخلاقی و ظلم و جور که به مردم روا می شود، واکنش های درخور توجهی از خود بروز می دهد. با توجه به اینکه او شاعری انسانگراست و اندیشه های انسانی را با شیوه ای بدیع و آمیخته به احساس و عاطفه در قالب نظم درآورده است، بازتاب روانشناسی اجتماعی و مؤلفه های آن در سروده های وی می تواند در خور شرح و بسط باشد. زنان شهری، به عنوان یکی از برجسته ترین موضوعات در مطالعات جغرافیای اجتماعی شهری مطرح هستند. این که سطوح و جایگاه زنان در بافت شهری به چه صورت باشد یکی از موضوعات اساسی است که در مطالعات جغرافیای اجتماعی زنان شهری مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در هر صورت، مؤلفه های دیگری هم چون نابرابری درآمدی و هویت اجتماعی زنان شهری نیز در مطالعات جغرافیای اجتماعی زنان شهری است. دو شاعر یکی در سطح ایران و دیگری در سطح اروپا، به عنوان نماد مطرح نمودن مؤلفه های جغرافیای اجتماعی زنان شهری مطرح هستند که یکی پروین اعتصامی و دیگری آدلر بوده است. آلفرد آدلر روانشناسی اتریشی بود که دیدگاه های او در مورد روان انسان و تاثیرپذیری عمل انسان از آینده خواهان که یونگ هم به آن اعتقاد داشت، تاثیر زیادی در شناخت روان انسان داشت. آدلر، درباره ی احساس حقارت دیدگاه جالبی بیان کرد که این حس دلیل رشد بشر می شود و به او برای دستیابی به تکامل کمک می کند. به عقیده ی او، احساس های حقارت، گریزناپذیر و مهم تر اینکه، ضروری هستند؛ زیرا به وجود آورنده انگیزه اساسی برای تلاش، رشد، پیشرفت و موفقیت اند. در واقع احساس حقارت اگرچه از حد تجاوز نکند، سبب پیشرفت و ترقی آدمی است. روش روانشناسی فردی با مسئله حقارت شروع و پایان می یابد. احساس خود کم بینی یا حقارت در افراد ناشی از نقص و ضعف است که به تدریج با جای گیری در وجود انسان، موجب می شود تا او برای رسیدن به اهداف خویش راه های گوناگونی را برگزیند. با نگاهی به سروده های پروین اعتصامی درباره ی دفاع از حقوق زنان و با توجه به رویکرد آدلر، وجود ناتوانی و ضعف در زنان، از جمله خود پروین در جامعه، عقده حقارت ایجاد می کند؛ و کوشش های بعدی آنان نیز در زندگی، مصروف جبران یا پوشاندن آن می شود. پس حقارت اساس تلاش

آنهاست. عقده حقارت منجر به تمایل فرد برای فرار می‌شود و این تمایل در عقده برتری جویی برای جبران بیان می‌گردد.

دانش روانکاوی نوین هر شخصیت را با رفتار و گفتار خاص او در دسته‌ای از گونه‌های شخصیتی قرار می‌دهد. در این پژوهش که به بررسی نقش و شخصیت زنان در جامعه بر اساس نظریه روانشناسی فردی آلفرد آدلر پرداخته شده است، شخصیت پروین به نمایندگی از زنان محروم و سرکوب شده در جامعه در زمره شخصیت‌های مبتلا به عقده حقارت ارزیابی گردیده و واکنش‌های رفتاری و گفتاری آنان در قالب نشان دادن مقام والای زن - برخلاف اینکه این مقام در جامعه مردسالار آن زمان پنهان بود، تحقیر عشق مردان به زنان و ترویج فرهنگ خردورزی و گرایش به علم و دانش از زبان پروین در سروده‌هایش بیان شده است. پروین در اشعارش آینه‌ای را در برابر مخاطبان قرار می‌دهد و کژی‌ها و کاستی‌های جامعه را نسبت به تعهدات و مناسبات اخلاقی و منطقی جامعه نشان می‌دهد. یکی از این مناسبات، مساله‌ی زنان و حقوق و هویت ضایع شده‌ی آنها در جامعه است. در شعر او دو مقوله‌ی قدرت و ستم نسبت به زنان، به عنوان عقده‌ی حقارت نشان داده می‌شوند. بر اساس اصل حقارت، جایگاه شخصیت پروین و زنان هم‌نوع و همجنسش در اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و نارضایتی او از قرار گرفتن در این جایگاه، احساس طبیعی حقارت را در وی به عقده حقارت مبدل ساخته است. بر اساس اصل برتری جویی و جبران، هدف پروین که در اشعارش جای گرفته و تمامی اعمال و کارهای وی را تحت الشعاع قرار داده است، رسیدن به جایگاه والا و یافتن هویت در زنان است. به تدریج عقده حقارت موجب می‌شود برای رسیدن به اهداف خویش راه‌هایی را برگزیند که یکی از آنها انتقادات و اعتراضات غیر مستقیم به جامعه‌ی حاضر و پند و اندرز به زنان برای بالابردن جایگاه خود در جامعه است.

طبق رویکرد آدلر، پروین هم مانند همه افراد مبتلا به عقده حقارت، اثبات برتری خود و هموعانش به همگان را به عنوان جبران، هدف غائی خویش قرار داده است. او برای جبران این احساس و عقده‌ی حقارت، در اشعارش زن را رکن خانه‌ی هستی، پدیدآورنده‌ی محبت، پرورنده‌ی مردان بزرگ، گهواره‌ی جنبان حکیمان بزرگ و مردان دانا، نخستین مربی و آموزگار، طیب و پرستار و نگهدارنده خانه و خانواده و تیمار دار و پشتیبان مرد می‌داند. با نگاهی به سروده‌های پروین اعتصامی درباره‌ی دفاع از حقوق زنان، مسائل اخلاقی جامعه و زور و جور مردم زمانه اش می‌توان گفت که: پیش داوری: پیش داوری حاصل تمایل طبیعی فرد برای قالب بندی جهان به منظور معنا دادن به آن است. این قالب‌ها مبتنی بر واقعیت نیستند، بلکه بر اساس تجارب قبلی محدود فرد که آن را درست و قطعی تلقی می‌کند، شکل می‌گیرد. پروین در زمانه‌ی می‌زیست که مردمانش اسیر و گرفتار سنت بودند و نمی‌توانستند از قید و بند سنت فضای مردسالار و تبعیض جنسیتی رها شوند. او بارها در سروده‌هایش می‌خواسته به این پیشداوری‌های نامناسب از جانب مردم سنتی (پسر هشیار و دختر کودن است) خاتمه دهند. از طرفی دیگر، در عصر پروین اکثریت مردم به طور در بست در اختیار اغنیا بودند. او برای محو ناهنجاری‌هایی از این قبیل می‌کوشید و متجاوزان به حقوق مردم را سرزنش می‌کرد، بدون آن که بیندیشد به چه طبقه‌ی فرقه‌ای وابسته‌اند. او همواره در تلاش است تا استنباط نامعقول و درک نادرست وی را به خود او بفهماند. پروین، بنیان زندگی و شالوده‌ی عالم را بر محور زن نشان می‌دهد. به بیان او، پیشداوری درباره‌ی زنان را می‌توان اینگونه پاسخ داد که: زن، مایه‌ی انس و شفقت در

محیط خانه است، نه موجودی ضعیف. در این مبحث، از نظریه ی شخصیت ادلر هم بهره برده شده است. طبق این نظریه، پروین در مرحله ی جبران طبق نظریه ی آلفرد ادلر، کوشید تا سیمای مثبت و واقعی زن را به جامعه ی خود نشان دهد.

کشش و جاذبه: در روانشناسی اجتماعی در بحث کشش و جاذبه این نکته وجود دارد که مثلا ما مردمی را دوست داریم که رفتارشان بیشترین پاداش را با کمترین خرج برایمان فراهم کند. پروین بارها در مسائل تعلیمی و اخلاقی اشاره کرد که این کشش و جاذبه به خاطر درون زیبای فرد است، نه ظاهر زیبایش. یا در داستانهای عاشقانه به وصف کشش و جاذبه ی عاشق و معشوق اشاره می کند که چه چیزی عاشق را به سمت معشوق می کشاند. در این مبحث، از نظریه ی ژاک لاکان استفاده شده است. طبق نظر لاکان، غم فقدان معشوق برای عاشق باعث می شود که او بارها وارد ساحت خیالی شود و یا عاشق در حسرت و کشش به سمت این آرزو همواره باقی می ماند. او در این قسمت، از عشق الهی هم سخن گفته است. متقاعدسازی: متقاعدسازی در واقع، همان تحت تاثیر قرار دادن افراد با پیام است. منبع ارتباط باید خصوصیتی داشته باشد تا بهترین تاثیر را بر افکار مخاطبان خود داشته باشد. شعر پروین نیز از این مقوله سهم بالایی را به ارث برده است. نظریه ی ادلر در این قسمت، معنا می گیرد؛ اینکه پروین زنان را برای جبران، دعوت به خردورزی و رهایی از عزلت نشینی می کند، آنها را با پیام رسانی مناسب و اندرزی، به خاطر غرق شدن در جهل، سرزنش می کند تا از جای خود بلند شوند و حرکتی بکنند. او در این موضوعات اندرزگویی می کند تا به مخاطب بفهماند زن نباید خود را از عرصه های جامعه دور کند. هم‌رنگی با جماعت یا نفوذ اجتماعی: هم‌رنگی با جماعت هنجارهای مربوط به این موضوع است که چگونه عمل کنیم. این مضمون را بیشتر در سروده های اجتماعی پروین می توان بازتاب داد. پروین در اشعار خود، توجه خاصی به کودکان دردمند و یتیم و زنان محروم و ستمکش دارد. مسائلی مانند آرزوهای کودکان تهیدست و فقیر مبنی بر هم قدم شدن با سایر اطفال، یا قشر ریاکار جامعه که برای جلب اعتماد مردم، در ظاهر، جامه ی پاک می پوشند تا دیگران را تحت تاثیر قرار دهند. پرخاشگری: پرخاشگری، رفتاری است که در آن، یک نفر با عمل یا کلام به فرد دیگری حمله می کند. این مبحث را هم می توان در سروده های اجتماعی پروین بیشتر بازتاب داد. این پرخاش و خشم اجتماعی در حقیقت ناظر به وضعیت و شرایط حاکم بر جامعه ی پروین است. تقلید: شاعر تقلید کورکورانه را نکوهش می نماید و این مبحث هم سروده های اخلاقی و تعلیمی شاعر را در بر می گیرد؛ مثلا او تقلید از پاکان و طاهران را نیک می شمرد، برخلاف اینکه در برخی اشعارش به نفی تقلید کورکورانه پرداخته است.

- منابع

۱. آدلر، آلفرد (۱۳۶۱)، روانشناسی فردی. ترجمه: حسن زمانی شرفشاهی. تهران: پیشگام.
۲. اکبر، مجدالدین (۱۳۸۷)، انعکاس نابرابری های اجتماعی در شعر پروین. نشریه ی فلسفه و کلام. ش ۵۷. صص ۳۶۵-۳۹۶.
۳. اعتصامی، پروین (۱۳۷۰)، دیوان، به کوشش محمد عالم گیر تهرانی، تهران، نشر محمد.

۴. آقا یوسفی، علیرضا (۱۳۸۶)، شخصیت، روانشناسی عمومی. هیئت مولفان. تهران: دانشگاه پیام نور، صص ۳۶۵-۴۰۲.
۵. آراین پور، یحیی (۱۳۷۹)، از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)، چ ۲، تهران، زوار.
۶. بی زار گیتی، آزاده (۱۳۸۱)، زنان کلیله و دمنه: بازنمود ذهنی مردانه، فصلنامه ی زنان، مجموعه مقالات، ج ۲، صص ۱۲۷-۱۳۳.
۷. براهنی، رضا (۱۳۶۸)، قصه نویسی. تهران: البرز. چاپ چهارم.
۸. برقعی، سید محمدباقر (۱۳۲۹)، سخنوران نامی معاصر. تهران: امیرکبیر.
۹. بهبهانی، سیمین (۱۳۷۰)، پروین اعتصامی در یادنامه ی پروین. گردآوری: علی دهباشی. تهران: دنیای مادر.
۱۰. ترابی، دکتر علی اکبر (۱۳۸۳)، جامعه شناسی ادبیات فارسی، چ چهارم، تبریز، انتشارات فروزش.
۱۱. جام نامقی، شیخ احمد (۱۳۴۷)، مفتاح النجات. تصحیح علی فاضل. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. چاوش اکبری، رحیم (۱۳۷۸)، زندگی و شعر پروین اعتصامی. تهران: ثالث.
۱۳. حسینی حله. سید محسن (۱۳۸۵)، موضوع درآمدی بر ادبیات تعلیمی روزنامه ی اطلاعات. ش ۲۳۶۴۲.
۱۴. ذوالفقاری، ابوالفضل مسلم میرزایی (۱۳۹۰)، نابرابری های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی. مجله ی زن در فرهنگ و هنر. ش ۳. دوره ی دوم. صص ۱۹-۳۶.
۱۵. خدام ازغدی، مریم (۱۳۸۶)، زنانگی در شعر پروین. مجله ی شعر. ش ۵۲. صص ۵۷-۶۲.
۱۶. راوندی، مرتضی (۱۳۸۳)، تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نگاه.
۱۷. رایکن، ریچارد. ام. (۱۳۸۷)، نظریه های شخصیت. مترجم: مهرداد فیروزبخت. تهران: ارسباران.
۱۸. رحیمی، محسن و کارگر، بهمن (۱۳۹۹)، تبیین الگوی تاب آوری اجتماعی در سکونتگاه های غیررسمی با تاکید بر کیفیت زندگی نمونه موردی محله خط ۴ حصار کرج، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای قشم.
۱۹. روزبه، دکتر محمدرضا (۱۳۸۱)، ادبیات معاصر ایران (شعر)، چ اول، تهران، نشر روزگار.
۲۰. زروندی، نفیسه (۱۳۸۶)، نقدی بر دیدگاه های رایج فمینیستی و تبیین پیامدهای آن». فصلنامه ی مطالعات فرهنگی دفاعی زنان، سال دوم. شماره ی ۴.
۲۱. زینی، مهری (۱۳۹۱)، راهزن عقل و دین: جایگاه زن در عرفان. تهران: مروارید.
۲۲. ذوالفقاری، ابوالفضل و مسلم میرزایی (۱۳۹۰)، نابرابری های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی. مجله زن و فرهنگ و هنر. ش ۳. صص ۱۹-۳۵.
۲۳. ستاری، جلال (۱۳۷۵)، سیمای زن در فرهنگ ایران. تهران: نشر مرکز. چاپ دوم.
۲۴. سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۹)، نظریه های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، چ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. شولتز، دوان، شولتز. سیدنی آلن (۱۳۷۵)، نظریه شخصیت. مترجم: یحیی سید محمدی. تهران: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۶. صحرايي، قاسم و محمد خسروی (۱۳۸۹)، نقد اصالت زن در شعر پروین اعتصامی. فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ش ۳. صص ۱۱۱-۱۲۴.
۲۷. عرب، عباس و یونس حق پناه (۱۳۹۰)، تحلیل روان‌شناختی اشعار صعاليک بر اساس مکتب آدلر». نشریه ی زبان و ادبیات عربی. ش ۵. صص ۱۱۵-۱۴۴.
۲۸. فیست، جس و دیگران (۱۳۸۸)، نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر روان.

۲۹. قره داغی، فرخ (۱۳۸۰)، الف. نگاه به زن در ویس و رامین، فصل زنان: مجموعه مقالات، نشر توسعه، صص ۷۶-۸۱.

۳۰. قبادی، حسینعلی، هوشنگی، مجید (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی روان کاوانه شخصیت زال از نگاه آلفرد آدلر». فصلنامه نقد ادبی، س ۲، ش ۷، صص ۹۱-۱۱۹.

۳۱. کارور، چارلز، شی یر، مایکل آف (۱۳۸۷)، نظریه های شخصیت. ترجمه: احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۲. کلانتری، بهرنگ؛ سجادی، ژیلا و رضویان، محمدتقی (۱۳۹۹)، ارزیابی و تحلیل شاخص های طرد اجتماعی در فضای شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران)، مجله جغرافیای اجتماعی شهری، دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۷،

۳۳. کوژر، لویس (۱۳۸۳)، زندگی و اندیشه ی بزرگان جامعه شناسی. ترجمه ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

۳۴. موید، حشمت (۱۳۷۰)، جایگاه پروین در شعر فارسی در یادنامه ی پروین. تهران: دنیای مادر.

۳۵. ممتحن، مهدی و گردافرین محمدی (۱۳۹۰)، پروین اعتصامی در گذرگاه ادبیات تعلیمی. پژوهشنامه ی ادبیات تعلیمی. ش ۱۰. صص ۱۲۳-۱۵۲.

۳۶. منصور، محمود (۱۳۷۱)، احساس کهنتری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳۷. منوچهریان، پرویز (۱۳۶۲)، عقده حقارت، تهران: گوتنبرگ.

۳۸. نایب الصدری، مریم (۱۳۹۱)، زن ایرانی و زنان تاثیرگذار ایران. مجله حافظ. ش ۹۷. صص ۷۶-۸۰.

۳۹. نمینی، حسین (۱۳۶۲)، جاودانه ی پروین اعتصامی. تهران: کتاب فروزان.

۴۰. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۶)، چون سبوی تشنه. تهران: جامی.

41. H. Maniaci. M (1999), A primer of Adlerian psychololy, Braun-Brumfiled. Ann Arbor. MI, H, Mosak
42. 2.. Smothers, Melissa.K. (2010). Adler, Alfered. Encyclopedia of Psychology and Religion. New York: Springer
43. Ewen, Robert, (2003) an Introduction to Theories of Personality, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.